

نیمه تاریک؛

وجه تیره حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی ×

نوشته: نادر نقشینه

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

چکیده

“ژاک ایلول” فیلسوف فرانسوی (۱۹۶۴) می گوید: “فن آوری، انسان - خالق خود- را تا حد چرخ دنده ای در خدمت کلان ماشین های جهانی پایین آورده است.” تلاش هایی برای بحث درباره جنبه های اجتماعی - فرهنگی حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی انجام شده است. این مقاله به طور خاص به وجه منفی جامعه اطلاعاتی می پردازد.

از اوایل دهه هفتاد که اصطلاح “جامعه اطلاعاتی” برای نخستین بار پدیدار شد، تا اواخر دهه نود که به نظر می رسد هیچ گزینه دیگری جز ورود به این جامعه برایمان نمانده، این حرکت با مانعی رودررو نشده است. با این همه، چک و چانه زدن های مابر سر چیست؟ آیا باید چنان جذب جامعه سببرنتیکی شویم که هویت فردی خود را از دست بدهیم؟ آیا میتوانیم تمایزات فرهنگی و اجتماعی خود را به این تعریف تازه از جامعه بیفزاییم؟ آیا می توانیم میراث خود را حفظ کنیم؟ آیا این احتمال هست که در اشتیاق مهار گسیخته ناشی از عضویت در چنین جامعه ای ندانسته فاتحه خلوت و آرامش شخصی خود را خوانده باشیم؟ مابه عنوان متخصصان اطلاعاتی، با سرعت بسیار داریم به شهروندان دو دنیا [ای متفاوت] بدل می شویم: یکی دنیای الکترونیکی و دیگری دنیای فیزیکی. ما از طریق شبکه رایانه هایمان و تسهیلات مخابراتی، دنیای ادراکات خود را گسترش می دهیم. با این حال، هرگز به این سؤال نپرداخته ایم که تا چه میزان از تأثیرات این شهروندی جدید بر تابعیت سنتی ما، دلخواه ما است. در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، حرکت در راستای عضویت در این جامعه، ضعف های جدیدی را موجب خواهد شد که چاره و علاج طبیعی و مشخصی ندارند. عده ای متخصصان اطلاعات را دروازه بانان اطلاعات در جامعه متحول آتی می دانند. حال به عنوان دروازه بان، وظایف و ماموریت ما چیست؟ این مقاله به آن جنبه های اجتماعی - فرهنگی از حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی که چندان درباره آنها بحث نشده، و بویژه به وجه تیره جامعه اطلاعاتی، مثل مرگ خلوت و آرامش [شخصی] می پردازد. بیست و پنج سال پیش با نخستین عشقم بوروروشدم: پدرم باگروهی از دانشکده مهندسی دانشگاهی که در آنجا تدریس می کرد مرا بهسفر برده بود. در یک ساختمان معمولی، یک رایانه آی بی ام ۳۷۰ و بانک های تله تایپ قرار داشت. دستگاه در پشت یک دیواره شیشه ای بود. . . چراغ های نشانگر آن با ترکیبی رمزآلوده

* * *

the darkside of the drive towarks an information
-17 October 1998.

کارمی کردند. . . . یاد می آید یک صفحه کلید بیکار پیدا کردم . در برابر پرسش من که "سلام، حالت چطور است؟" دستگاه فوراً پاسخ داد: "درونداد نادرست است". اکنون پی از ربع قرن، دستگاه بسیار نیرومندی بر روی میز دارم و هنوز هم همان جواب را دریافت می کنم. [البته] اگر وضعیت تغییر می یافت [و پاسخ دیگری می گرفتیم]، شاید الان می گفتم "من می ترسم". اشتباه نکنید؛ به عنوان یک مهندس، آدم عجیب غریب و شناخته شده ای هستم که شیفته پدیده های ناشی از آمیزش فن آوری ارتباطات و رایانه شده ام. بله، من از سمت و سوی این توسعه بیش از پیش احساس ناراحتی می کنم. رویکرد انسانی به سمت این امر و حالات گوناگون بیان و حفظ دانش، همیشه مرا مجذوب کرده است. تصویر کنید چند هزار سال پیش گروه های نیمه چادر نشین ایرانی دارای فردی به نام "حافظه ایل" بودند. او در هر نشست و واقعه مهم قبیله شرکت می کرد تا آن را مشاهده و ثبت کنید که یکی از این افراد بر اثر کهولت یا به دلیل دیگری بمیرد اما خاطرات ایلی را به دیگری نسپرد. خاطراتی که منتقل می شد همراه با مهارت هایی که در ایل آموخته می شد باید نسل های جوان تر را برای میدان های آتی آماده می کرد. این روزها ما ترغیب می شویم که اینترنت را به عنوان "حافظه جهانی" بپذیریم و خاطرات و تجربه هایمان را به آن منتقل کنیم. غالباً به من می گویند که سرعت سرسام آور پیشرفت های علمی و فن آوری باعث آزادی ذهن انسان شده است. بله، این گفته تا اندازه ای صحت دارد؛ اما امروزه استفاده از آزادی در یادگیری و تفسیر نتایج تلاش های انسان، به ابزارهای جدیدی نیازمند است. یکی از این ابزارها، مجموعه دانش و تخصص لازم برای شناسایی، فراهم آوری و اشاعه اطلاعات، یعنی داده شناسی (۳) است. اما واژه داده شناسی از القای تمام و کمال تأثیرات اجتماعی مترتب بر آن ناتوان است. از نظر انفجار اطلاعات و نقش آن به عنوان عاملی در تحولات اجتماعی، کلیشه های بسیار وجود دارد. حتی کشورهای کم تر توسعه یافته نیز در گیرودار حرکت جاه طلبانه ای برای تأمین دسترسی به ثروت ها و منابع اطلاعاتی جدید، چه بین المللی و چه داخلی هستند. در بیش تر موارد، از جمله در ایران، ما فقط به پیوند زدن فن آوری اقدام می کنیم؛ آن هم با درک اندکی از آن و بدون این که تلاشی برای بومی کردن آن به خرج دهیم. این [فن آوری] ها بر پروژه های گرانیقیمت شبکه سازی ملی سوارند که هدف از آن ها هیاهو و جنجال در باره اتصال سریع و بلافاصله به شبکه جهانی است. اما هیچ قانونی گذارنده نشده که حقوق شهروندان این کشور ها را در این عرصه حفاظت کند. آنان چگونه می توانند مطمئن باشند که اولویت بندی صحیحی انجام داده اند؟ اجازه اختیارات دولت است، گفتگو می کنند. آنان به اینترنت که هنوز در حوزه اختیارات دولت است، گفتگو می کنند. آنان اینترنت را در موتور توسعه علمی می خوانند. اما فقط چند تا از دانشگاه های ایران هستند که به فشار های زودرس بودجه ای دچار نشده اند. پس فایده اینترنت وقتی که به بهای حذف آموزش باشد، چیست؟

اینترنت و تأثیرات آن

اینترنت برای بسیاری از هموطنان آینده نگر من به جای یک ضرورت ارتباطی، به نمادی از منزلت موقعیت اجتماعی بدل شده است. مؤسسه نادارایانه که در حال حاضر تنها راه دسترسی غیر دولتی به اینترنت در ایران است، اخیراً تحقیقی انجام داده که روشن میکند تعداد افرادی که فعالانه از اینترنت استفاده می کنند کم تر از ۲۰۰۰ نفر است. این رقم از حدود ۶۰۰۰۰ ایرانی که به این شبکه دسترسی دارند به دست آمده. اگر اعداد و ارقام را در کنار هم بگذاریم، شاید بتوانیم نتیجه بگیریم که در برابر هر ۶۰۰۰۰ ایرانی، یک نفر اینترنت سوار است. ظاهراً چنین اختلافی را میتوان یک توسعه مطلوب نامید، که به نوعی از تخصصی شدن منجر می شود و زمان نسبی انتقال فن آوری در حوزه [کاری] ما راکاهش می دهد. این اختلاف همچنین شاید نشانگر تقاضای های گوناگون اطلاع جویی در جامعه است. این بیان دست کم در حد نظری میتواند پذیرفتنی باشد؛ در این نظر فرض بر این است که دستگاه های اداری و حتی خود جامعه به گونه ای منطقی عمل می کنند. در مورد دستگاه اداری، این شیوه عمل غالباً خیال خامی بیش نیست. در حینی که به توسعه خدمات اطلاعاتی و اینترنت خصوصی در ایران اشغال داشتیم، بیش از هر زمان دیگر با موضوعاتی روبرو می شدم که هیچ ارتباطی با موضوعات فن آوری - تجاری محض نداشت ایران دارای مجموعه قوانین مناسبی که علاوه بر استفاده صحیح از [اینترنت]، جنبه محرمانگی را نیز تضمین کند، نبود. دستگاه اداری، بویژه در خاورمیانه، همیشه واله و شیفته نظارت تام است و غالباً با عنوان ضرورت مدیریت یا نظم بخشیدن به منابع در سطح ملی به این موضوع اشاره می شود. این خطر نیز هست که در جریان ارائه خدمات دستگاه اداری از شما بخواهد که از بخشی از آزادی خود دست بردارید. مثلاً کارت عابریانک را در نظر بگیرید. هر بار که در یک فروشگاه یا دستگاه خودپرداز از کارتان استفاده می کنید، ساعت، تاریخ و محل اجرای عملیات را بانک ثبت می کند. کارت بیمه وضعیت اضطراری من، به کارفرمای من امکان می دهد که بر مبنای داروهای تجویز شده و نیز معاینات پزشکی انجام شده، به جزئیات سابقه پزشکی من دسترسی داشته باشد. من می توانم گوشی تلفن همراه ام را با یک رمزپرداز مجهز کنم تا تماس های مرا در برابر اسکنرهایی که می توانند آن ها را درگیری کنند محافظت کند؛ اما شرکت تلفن ثبت کاملی از تماس های من دارد. قواعد شرکت ها گاهی شامل عبارتی است که به کارفرمای حق می دهد پست الکترونیکی شمار را بازرسی کند. در هر موردی که می خواهید از تسهیلات و مزایای ناشی از حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی استفاده کنید، ظاهراً لازم می آید که از بخشی از حقوق خود چشم ببوشید؛ شما به دلخواه اجازه می دهید به خلوت شما حمله شود. اینجا است که مسئله حمله به خلوت [شخصی]، در برابر بزهکاری سیبرنتیکی یا ترورسیم سیبرنتیکی رنگ می بازد. در سال ۱۹۹۵ اراده اطلاعات نیروی انتظامی ایران تعداد منتخبی از ایرانیان متخصص را در موضوع بزهکاری های الکترونیکی کارمندی مورد سؤال قرار داد. درباره این بازجویی خاص و نتایج آن گزارش دیگری در دست نیست. بنابر پاره ای شواهد، شرکت های ایرانی، بویژه مؤسسات مالی در معرض چنین بزهکاری هایی هستند. در سال ۱۹۹۵ یک مؤسسه دولتی دیگر یعنی IDARPI،

مجری [یک بررسی] کارگاهی در موضوع ترورسیم سبیرنتیکی و مبارزه اطلاعاتی بود که حدود دوازده عرصه آسیب پذیری در آن تعریف شد. آن چیست که بزهکاری سبیرنتیکی را این قدر آزارنده میکند؟ واقعیت این است که به این نوع از جنایت، حتی در کم خطرناکترین سطح آن [اطلاعات ربایی]، بدون آگاهی ما اقدام می شود. اطلاعات یک کالای واحد است که در یک زمان می تواند در دو جا باشد. البته اطلاعات ربایی بستگی کامل به تفسیر ما دارد. در جوامع محافظه کار، کلوچه جادویی (۴) را، که بسیاری از سایت های وب به دنبال مراجعان و دیدار کنندگان از آن سایت، با آنان همراه می کنند، می توان ابزار اطلاعات ربایی دانست. اخیراً یکی از دوستان من، به عنوان نوعی آزمون عقلانی، راهی به بی بی اس بانکی که در آن حساب داشتم باز کرد. جالب این که با راحتی باور نکردنی اسم عبور مرا پیدا کرد؛ و من تصمیم گرفتم در بانکی حساب باز کنم که اطلاعات مشتریان را در بی بی اس نمی گذرد. بدتر این که قوانین ضعیف و آداب و رسوم اجتماعی با ناتوانی کامل و لنگان لنگان از پی فنون جاری مزاحمت و مراقبت داده ها روان اند. این امر به ظهور طبقه بندی جدیدی از کارکنان اطلاعاتی، یعنی کاوشگران کارمزدی اینترنت، منجر شد؛ افرادی که با دریافت یک نام و نشانی، در عرض فقط چند ساعت در می یابند که مورد جستجو چه فواید و کاربردهایی دارد، موجودی مالی یک فرد چه وضعیتی دارد، و خیلی نکات جالب دیگر. اما موضوع مهم تر از خلوت و آرامش خصوص، موضوع هویت است. کسی نمی تواند جاذبه اینترنت به عنوان یک چالش ذهنی را انکار کند. ما از طریق رایانه و نیز ایستگاه های ارتباطی خود به خلق یک تصویر رقومی از خویش در اینترنت می پردازیم. در این محیط اکتشافی، بی آن که با خطری روبرو باشیم، جاذبه گشتن در این محیط و - در صورت امکان - سود بردن از مزایای آن ما را به خودمی کشد. اینجا است که مشکل زبان پیش از مسایل فرهنگی مطرح می شود. بخش عمده سایت های جالب اینترنت به زبان انگلیسی و در ایالات متحده هستند. گاه لازم می آید که شخص یاد بگیرد که چگونه اختلافات جزئی و اشارات موجود در صفحه وب را به درستی در یابد. وقتی دوباره به این شبکه دسترسی می یابیم به نظر می رسد که داریم دارای تبعیت دو گانه می شویم؛ افرادی با هویت دوگانه: یک هویت ملی و یک هویت رقومی. و کدامیک از این دو هویت غلبه خواهد یافت: شهروندی یا شبکه وندی؟ (۵) ظاهراً عنصری از نوع تکان های فرهنگی نیز در آثار به چشم می خورد. حساسیت در برابر پدیده تکان های فرهنگی ظاهراً هیچ ربطی به سطح توسعه شبکه های رایانه ای و تنوع ارتباطی ندارد؛ بلکه عمدتاً به استنباط خود ما از اطلاعات به عنوان یک کالا مربوط می شود. یعنی به موضوعات فرهنگی ارتباط پیدا می کند. حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی، که گویا بر اقتصاد اطلاعات در حالی که ابداً در اقتصاد کشور به حساب نیامده، سود برد؟ علاوه بر این کشوری که فاصله بسیار زیادی با یک اقتصاد محکم دارد، چه یودی می تواند [از اطلاعات] ببرد؟ اگر تولید اطلاعات را کنترل کنید، مالک اطلاعات هستید؛ به شرطی که آن را به عنوان وثیقه مالکیت خویش در کف دست نگیرید. اما همین که آن را در شبکه گذاشتید، دیگر مالک آن نیستید. اینترنت یک خیابان دوطرفه است. چنان است که وقتی [چیزی را] روی این شبکه گذاشتید، از شما انتظار می رود که آن را به هر قیمتی روی شبکه نگه دارید. فرض کنید مقاله ای

می نویسد و نشانی های روی وب را به عنوان منبع ارجاعات در آن نقل می کنید؛ ولی ناگهان برخی از این نشانی ها از وب حذف می شود. اینترنت به عنوان رسانه توزیع، فرصتی بمانند برای بیان دیدگاه ها، اطلاعات و هویت رقومی به اقتصادی ترین شیوه ممکن است. به این دلیل، اینترنت به نوعی یک برزخ حقوقی است. افرادی که دارای جاه طلبی هایی از حیث انتشار [افکار خود] هستند، خیلی آسان تر می توانند آن ها را در اینترنت منتشر کنند تا این که - مثلاً - شش ماه صبر کنند تا مجوز نشر را از مقالات محلی ایران دریافت دارند. همانگونه که پیش تر گفتم، اینترنت یک خیابان دو طرفه است؛ یعنی تراز تجاری در جریان ورود و خروج اطلاعات وجود دارد و در یک وضعیت مطلوب این دو باید بر هم منطبق باشند. ولی در بسیاری موارد اینگونه نیست، و شاید نباید هم باشد. در واقع حسن اینترنت این است که می توان جریان اطلاعات مورد نیاز را برنامه نویسی کرد. کسی که ره ادبیات نوین انگلیسی علاقه دارد، یعنی به چیزی که دستیابی به آن در ایران دشوار است، چه بسا با اتصال به سایت های مربوطه در اینترنت راضی شود. اینترنت صفت بوقلمونی دارد، مطابق با خواسته های فرد تغییر رنگ می دهد. اگر خواسته شما فقط ارتباطات - مثلاً پست الکترونیکی - باشد، اینترنت یک راه حل کامل - سریع و نسبتاً ارزان - است. اما وقتی برای تأمین نیازهای اطلاعاتی، به عنوان رسانه یا یک محمل بازرگانی، از آن استفاده کنید، آنگاه حالتی نامتقارن می یابد. میزان عدم تقارن مستقیماً به وضعیت صنعت و اقتصاد اطلاعات [در کشور] شما مرتبط است. بنابر ارقام غیر رسمی، ایران در هر سال اطلاعاتی با ارزش نزدیک به ۳۰ میلیون دلار، در شکل های گوناگون آن از اینترنت وارد کرده است. درباره صادرات رقومی در دست نداریم. تعداد سایت های ایرانی که در حال حاضر فعال و از طریق شبکه در دسترس اند کم تر از ۱۰ تا، و بهترین آنها ندا رایانه با کم تر از ۸/۶ میلیون تماس رد ماه است. در سطح فرهنگی، قاره پهناور آسیا شاید کم تر از ۱۰ درصد مندرجات موجود کنونی در اینترنت را به خود اختصاص می دهد. با آن که دولت ها از ضرورت حرکت در جهت سود بردن از مزایای اینترنت سخن می گویند، تمایل اندکی ب سرمایه گذاری برای افزایش مندرجات کشور خود در وب دارند. بدتر این که آنان غالباً انگیزه ای، [مثلاً] در قالب معافیت مالیاتی، برای بخش خصوصی به منظور کاستن از میزان این شکاف فراهم نمی آورند. در واقع یکی از پیش نیازهای حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی، غیر دولتی کردن صنعت مخابرات است. صنعت مخابرات در عمده موارد یک انحصار دولتی است، و دولت غالباً با غیرت و حمیت نسبت به انحصارات خود رفتار می کند. اداره این انحصارات، و در نگاهی عام تر، نگرش حکومت در این باب که چه کسی وارد اینترنت بشود و چه کسی نشود، اگر با قوانینی که تساوی دسترسی را تضمین می کنند تعدیل نشود، به [نوعی] قشربندی - شکل گیری تقسیمات اجتماعی برمبنای نامگذاری که دسترسی به اطلاعات را انحصاری می کند، و از سوی دیگر، ظهور فقرا [ای اطلاعاتی] را شاهد خواهیم بود. خوشبختانه در ایران دسترسی به اینترنت هنوز به چنین مسائلی مبتلا قبول از نظر قیمت ارتباط دارد. یک اتصال اینترنت هنوز به چنین مسائلی مبتلا نشده است و مشکل موجود، بیش تر با ارائه امکان دسترسی قابل قبول از نظر قیمت ارتباط دارد. یک اتصال اینترنت در ایران نوعاً با قیمتی از پایه ۱۲۰۰ دلار امریکایی آغاز می شود. میانگین حقوق یک استاد دانشگاه ۴۰۰۰

دلار در سال است، و قیمت اتصال اینترنت با امکان فروفرستی (۶) سریع، از ۱۰۰۰۰ دلار شروع می شود. البته با در نظر گرفته موضوعات زیر می توان از میزان عدم تقارن در بهره گیری از حرکت به سوی جامعه اطلاعاتی تا حدودی کاست:

- چگونگی یافتن اطلاعات و چگونگی استفاده از آن؛
- چگونگی ارزیابی قدرت اطلاعات در پشتیبانی از اهداف راهبردی سازمان؛
- کارایی و صرفه مندی؛
- سنجش میزان تأثیر خدمات بر استفاده کننده نهایی؛
- پخش اطلاعات.

در نتیجه به نظر من سر جمع کلی پاسخ به پرسش های بالا، چیدمان اطلاعاتی لازم برای تضمین میزان سازگاری یک جامعه با یک جامعه مبتنی بر تبادل اطلاعات را تعیین می کند. نمی توان کشوری را یک شبه به جامعه اطلاعاتی بدل کرد؛ بلکه سواد اطلاعاتی در این کشور باید به حد معینی برسد. سواد اطلاعاتی نیازمند سرمایه گذاری جدی در زیر ساختار آموزشی، و توسعه منابع انسانی است. تفاوت گسترده میان نگرش های جهانی موجود در نواحی روستایی ایران (که اکثریت جمعیت ایران در آن زندگی می کنند)، و در نتیجه رفتار اطلاع جویی و نیز رفتار اطلاع پردازی، مرکز پژوهش های روستایی را به اختصاص بخش عمده ای از تلاش های پژوهشی اش در این جهت هدایت کرده است. روشن شده که در هر جا که یک توسعه روستایی ضریب هزینه/ عملکرد بهتری را حاصل می کند. چنین برنامه هایی را می توان از طریق بزرگان روستا، مسجد محل یا کتابخانه روستایی محل علمی عملی کرد. به علاوه، سطح نیاز اطلاعاتی ساکنان روستا گرایش آشکاری به سوی همخوانی با کیفیت [اطلاعات] دارد. جالب توجه این که تأمین نامتوازن منابع اطلاعاتی بدون توجه به عوامل روانی- اجتماعی، در پاره ای از جوامع روستایی معین به تنش اجتماعی منجر می شود. مثلاً شیوه زندگی چادر نشینی وایلی را - که در طی هزاران سال تغییر اساسی نکرده - چگونه می توان با پدیده انفجار اطلاعات همگام کرد؟ نواحی شهری که موضوع، شکل و دامنه درخواست و تولید اطلاعات در آن ها به طور سنتی تنوع بیش تری یافته است. همیشه بانوعی از نخبه گرایی، از لحاظ دسترسی به گستره وسیعی از اطلاعات، همراه اند. قاعده بازی در قراردادهای اجتماعی تنوع بیش تری یافته است. در برخی موارد، تأمین کورکورانه اطلاعات به جای این که سودمند باشد زیانبار خواهد بود. اساساً در حرکت برای تدارک ابزارهای اطلاعاتی که ب منظور بهبود بخشیدن به زندگی مورد نیاز این اجزای جامعه است، باید موضوع [تنش و] تکان فرهنگی را نیز مورد توجه قرار داد.

نتیجه

غوطه وری مهار نشده در فضای سیبرنتیکی و قرار گرفتن در معرض آن، در بهترین حالت نیز اقدامی مخاطره آمیز خواهد بود. قطعاً همه جوامع از انقلاب اطلاعاتی سود نخواهند برد؛ برخی از

این جوامع ممکن است به دلیل فقدان زیرساختار و حفاظ های مناسب حتی زبان ببینند. جدایی میان تعهدات و هویت های فیزیکی و رقومی را باید درک کرد و به آن ها پرداخت. باید تعریف جدیدی از خلوت [شخصی]، نه براساس حقوق، بلکه بر مبنای روابط به دست داد. با وجود پیچیدگی طبقات گوناگون اجتماعی، ادراک اهمیت سرمایه گذاری در خدمات اطلاعاتی و تمایل به این کار از سوی جامعه، تا آنجا که به پیچیدگی فرایند تصمیم سازی در آن مربوط می شود، از کارکردهای سرشت اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی آن است. توسعه خدمات اطلاعاتی برای پشتیبانی از این تصمیم سازی ها شباهت نزدیکی با نیاز جامعه و درک جامعه از اهمیت چنین خدماتی دارد. این امر در کلیت خود از عادات افراد در دسترسی به اطلاعات ارزشمند تأثیر می پذیرد. غالباً لازم می آید که برای اصلاح این عادات اطلاعاتی به آموزش استفاده کنندگان مبادرت ورزید. به منظور تضمین بهبود و صرفه مندی خدمات، باید با مرکز اطلاع رسانی همچون یک شرکت تجاری رفتار کرد. در هر حال، در تجارت قواعد مراعات نمی شود.

پی نوشت ها

1. mnemonics
2. harmonics
3. informatics
4. magical cookies
5. netizen
6. download

×× نویسنده مایل است مراتب سپاس خویش را از مرکز اطلاعات و مدارک ایران، وزارت دفاع، و ISIS به خاطر مساعدت آنان در تأمین امکان دسترسی به گزارش های تحقیقاتی آنان ابراز دارد. بویژه از شبکه های "ماورا" و "ندا رایانه" به خاطر عدم ایجاد مانع در کار نویسنده در حین انجام بررسی های میدانی در این شبکه ها سپاسگزاری می شود.